

## موضوعات زمین‌مانده زیادی در «دعاپژوهی» داریم/ محبوبیت مفاتیح‌الجنان‌ها در دوره قاجار

فرهنگ مهروش، استاد دانشگاه گرگان ضمن اشاره به برخی محورهای پژوهشی در دعاپژوهی، اظهار کرد:



فرهنگ مهروش، استاد دانشگاه گرگان ضمن اشاره به برخی محورهای پژوهشی در دعاپژوهی، اظهار کرد: در ادبیات دعایی بحثی به نام فرادعا هست، یعنی آثاری که درباره مسائل مربوط به ادعیه نگاشته شده اند. البته بحث‌های بسیاری در متون کلامی و کتب دعا هست که هیچ وقت به سراغ آنها نرفتیم.

### فرهنگ مهروش

به گزارش ایکن، دومین گفت‌وگوی ویژه اولین همایش ملی دعاپژوهشی با عنوان «بایسته‌های مطالعه در گرایش دعاپژوهی از حوزه مطالعات حدیث» صبح امروز بیست و نهم دی با حضور فرهنگ مهروش، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد گرگان، به میزبانی دانشگاه بوعلی همدان برگزار شد.

در ادامه گزیده‌ای از سخنان مهروش را می‌خوانید:

ابتدا درباره هدف این جلسه حرف می‌زنم. در فضای علوم قرآن و حدیث با مشکلاتی روبه‌رو هستیم. یکی از مشکلات این است که به دلیل وجود برنامه‌ریزی‌های متمرکز در سراسر کشور، سرفصل رشته‌ها در دانشگاه‌های مختلف یکی است. گرفتن مجوز برای تأسیس رشته جدید بسیار دشوار است. دانشگاه‌های مختلف حاضر نیستند که برای تأسیس یک رشته جدید هزینه کنند، چون کار پرهزینه است و وقت‌گیری است و همه رشته‌هایی را که قبلاً تصویب شده است در دانشگاه‌شان به راه می‌اندازند. یک راه چاره در وضعیت کنونی این است که استادان برخورد عصیان‌گرانه نشان دهند، کما اینکه برخی استادان می‌گویند دلیلی ندارد که به سرفصل‌ها پایبند باشیم. راهکار منطقی‌اش می‌تواند این باشد که سعی کنیم برای یک رشته گرایش‌های جدیدی را تعریف کنیم، یعنی دانشجویان را طوری خط‌دهی کنیم که در زمینه‌های متفاوتی کسب علم کنند. وضعیت کنونی مطلوب نیست و باید تدبیری داشته باشیم تا از ظرفیت کشور برای توسعه مطالعات قرآن و حدیث استفاده مطلوبی کنیم.

من می‌خواهم درباره ضرورت رشته دعاپژوهی صحبت کنم و نشان دهم که در ادبیات دعایی شیعه چه میزان عظیمی از کارهای بر زمین مانده وجود دارد. تاریخ دانشی است که سعی می‌کند با بی‌طرفی علمی و با کاربرد روش‌های تجربی به نحوی بی‌طرفانه تحولات جریان‌های فکری بشر را مطالعه کند. وقتی از ادبیات دعایی شیعه صحبت می‌کنیم، منظورمان معنای انگلیسی کلمه است. به مجموعه آثاری که در یک حوزه پدید آمده اند ادبیات می‌گویند. وقتی می‌خواهیم درباره تاریخ ادبیات صحبت کنیم، می‌خواهیم سیر تحول رویدادهای فکری را در یک حوزه مطالعات خاص جست‌وجو کنیم و ببینیم که تحول جریان‌ها چه تأثیری بر تحول نگارش‌ها در یک زمینه خاص گذاشته است. دو تعریف از دعا در فرهنگ اسلامی

منظور از ادبیات دعایی مجموعه آثاری است که در حوزه دعا نوشته شده‌اند. تعریف مضیقی از دعا وجود دارد که در فضای فرهنگ اسلامی آن را به ارتباط گفتاری با خداوند اطلاق می‌کنیم. لذا ذکر یا زیارتنامه را دعا تلقی نمی‌کنیم. می‌توان یک تعریف موسع از دعا داشت که من این تعریف را مد نظر دارم و آن هرگونه ارتباط با عالم بالا است. به این معنا تمام آثاری که با دعا و ذکر و زیارتنامه خواندن ارتباط دارد ادبیات دعایی هستند. بحث تعریف دعا و زیارت مفصل است. دعا و زیارت تمایزات مهمی دارد که باید در جای خود به آنها توجه شود. تعریف دعا کار مشکلی است.

اگر بخواهم مهم‌ترین حوزه‌های بحث در ادبیات دعایی را بشمارم، باید به خود ادعیه اشاره کنم. تعداد زیادی دعا داریم و این حوزه‌ای از بحث در ادبیات دعایی است. حوزه دیگر بحث درباره تدوین هاست. باید بررسی شود که تدوین‌ها در حوزه ادبیات دعایی چه مسیری را پشت سر گذاشتند. مثلاً شما در کتاب کافی کلینی می‌بینید که کتاب مستقلی به نام «مزار» وجود ندارد. کلینی وقتی داشت کتاب را تدوین می‌کرد یک کتاب مستقل به زیارتنامه‌ها نوشت، بلکه در انتهای کتاب حج بعد از مطالب مربوط به حج، چند باب هم درباره زیارت برخی امامان آورده است. سپس محمدبن احمد اشعری کتابی را درباره حج نگاشته و ابوابی را به دعا اختصاص داد و خیلی مفصل‌تر از کلینی است. بعد در کتاب «مزار»، اثر سعد بن عبدالله اشعری، کتاب دعا را تدوین کردیم و در ضمن ابواب حج به زیارتها نمی‌پردازد و عناوین جدید بسیاری دارد که در آثار قبلی نیست. سپس در «کامل‌الزیارات» بحث درباره زیارت به نیابت را نمی‌بینید اما وقتی به «مزار» شیخ مفید می‌رسید، درباره زیارت به نیابت بحث مفصل

تری را می بینید. این از بحث هایی است که در کتاب مزار ابن قولویه نمی بینید و نشان از تحولات اجتماعی دارد. ضرورت پژوهش درباره فرادعا

یک بحث هم در ادبیات دعایی فرادعاست، یعنی آثاری که درباره مسائل مربوط به ادعیه نگاشته شده است. مثلاً سؤال می شود که مگر خدا سمیع و علیم نیست و حاجات ما را نمی داند، پس چرا باید دعا کنیم؟ ما درباره این مسائل، کلی بحث در متون کلامی و کتب دعا داریم که هیچ وقت به سراغ آنها نرفتیم. مقاله ای را درباره «نظریه پردازان فرهنگ استخاره» نوشته ام و موضوع بحثم دقیقاً همین است. استخاره در تاریخ ما کاربرد فراوانی دارد، مثلاً پادشاهان برای انتخاب یا عزل وزرا از استخاره استفاده می کردند. الان برخی خانواده ها نمی خواهند دختر خود را شوهر دهند و می گویند استخاره کردیم بد آمد. استخاره بهانه موجهی است، چون در بین مردم اعتبار دارد و در فرهنگ اسلامی بااهمیت است؛ مثلاً وقتی عمر بن خطاب می خواهد که دستور منع کتابت حدیث را صادر کند استخاره می کند. اگر استخاره از نظر مسلمان ها اهمیت و ارزش بسیار والایی نداشت، یک سیاستمدار نمی توانست تصمیمش را به استخاره منوط کند. درباره استخاره در فرهنگ اسلامی بیش از ده نفر آرای مختلفی بیان کردند. عده ای مثل سیدطاووس به شدت مدافع استخاره بودند. در دوره قاجار وقتی طبیب کسی را معاینه می کرد، اگر بیماران استخاره می کردند و خوب نبودند داروی طبیب را استفاده نمی کردند. بعد از سیدطاووس، مقدس اردبیلی اعتراض می کند و می گوید از کجا معلوم که خدا نخواستہ ما در حیرت باشیم. آیا استخاره نوعی اعتراض به تقدیر الهی نیست؟

بعد شخصیتی مثل علامه مجلسی ظهور و سعی می کند که وجه جمعی را میان آرای ابن طاووس و انتقادات مقدس اردبیلی به استخاره پیدا کند. در همان دوره استخاره بسیار به تفأل نزدیک شد و مردم برای پیش بینی آینده قرآن باز می کردند. ما مباحث نظری علما را نخوانده ایم. ارتباط شرح نویسی بر ادعیه با تحولات اجتماعی

حوزه چهارم ادبیات دعایی که باید به آن بیشتر توجه کنیم شروح ادعیه است. عالمان مختلفی درباره ادعیه مختلف کتاب نوشتند. برای صحیفه سجادیه و دعای جوشن کبیر چندین شرح نوشته شده است. لابد برخی مفردات دعا مبهم بوده است. پس چرا افراد دیگری مجدداً اقدام به شرح این آثار کردند. آیا شرح نویسی با تحولات بعدی اجتماعی ارتباط دارد یا ندارد؟ دکتر مرتضی سلمان نژاد تحقیقاتی درباره کتاب مستدرک نهج البلاغه مرحوم میرجهانی انجام داد و به این نتیجه رسید که وقتی در زمان شاه کوشش شد که نهج البلاغه را به عنوان یک سند متفاوت برای مسلمانان ایرانیان مطرح کنند، با نگارش مستدرک سعی کرد که از آن دفاع کند و نوشت که حضرت علی(ع) حرف های دیگری هم داشت و این همه حرف های حضرت علی(ع) نیست. مثلاً نهج البلاغه رویکرد وحدت گرایانه دارد و این امر با نیازهای شاه در خصوص وحدت با مصر و جهان عرب قرابت داشت.

وقتی می خواهیم درباره تاریخ ادبیات دعایی صحبت کنیم، بحث ما تحولات و نگرش ها به اصل دعا، تحولات شیوه تألیف ادعیه و تحولات سبک تألیف آثار را شامل شود. اگر بخواهیم درباره تاریخ ادبیات دعایی بحث کنیم، بحثمان تاریخی است و باید با روش مورخان آشنا باشیم. مورخان نسخه های مختلف آثار را پیدا می کنند. گاه برخی از نسخه های کتب دعایی منتشر نشده اند. وقتی شما مقدمه مفاتیح الجنان را مطالعه می کنید، شیخ عباس قمی می گوید که تعداد زیادی کتاب مفاتیح در دست مردم است و خیلی از این آثار ادعیه ای اند که اصیل نیستند و در آن تعالیم انحرافی وجود دارند. کتاب های چاپ سنگی عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی همین طور است. دیده ام که چندین عنوان کتاب با عنوان مفاتیح الجنان وجود دارد که تمایزی جدی با اثر شیخ عباس قمی دارد. چه اتفاقی می افتد که در اواخر دوره قاجار همه مردم هجوم می آورند تا کتاب مفاتیح الجنان بنویسند، باید درباره آن مطالعه کنیم.